

Analysis of Financial and Economic Values in Merton's Strain Theory With a Look at Jurisprudence

Alireza Mehrafshan^{1*}

1. Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 303-318

Article history:

Received: 14 Jul 2025

Edition: 09 Sep 2025

Accepted: 26 Oct 2025

Published online: 28 Mar 2026

Keywords:

Strain Theory, Economy, Crime, Robert Merton, Property.

Corresponding Author:

Alireza Mehrafshan

Address:

Iran, Tehran, Payame Noor University, Faculty of Law and Social Sciences, Department of Law.

Orchid Code:

0009-0006-5764-8598

Tel:

09122644146

Email:

mehrafshana@pnu.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aims: One of the most important theories presented in the field of criminal sociology is the pressure theory, which has a triple analysis of sociological, criminological and economic crime and was subsequently completed by Agnew after Robert Merton. Our goal is to express and explain that theory from the perspective of economic jurisprudence in order to understand the roots of crime.

Materials and Methods: This research is theoretical; the research method is descriptive-analytical, and the method of collecting information is library-based and by referring to documents, books, and articles.

Ethical considerations: In all stages of writing this research, honesty and trustworthiness have been observed, while respecting the originality of the texts.

Findings: The impact of the economy on crime is one of the certainties of this research and that the unequal distribution of means to achieve ideals and goals can sometimes lead to crime. The personality of individuals in the face of pressures determines the results.

Conclusion: Strengthening the personality traits of individuals along with reducing class differences can reduce crime.

Cite this article as:

Mehrafshan, A. *Analysis of Financial and Economic Values in Merton's Strain Theory With a Look at Jurisprudenc*. Economic Jurisprudence Studies. 2025.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هشتم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

تحلیل ارزشهای مالی و اقتصادی در نظریه فشار مرتون با نگاهی به فقه

علیرضا مهرافشان^۱

۱. گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مهمترین تئوریهای ارائه شده در حوزه جامعه شناسی جنایی نظریه فشار می باشد که تحلیلهای سه گانه جامعه شناختی، جرم شناسی و اقتصادی از جرم دارد و متعاقباً بعد از رابرت مرتون توسط اگنیو تکمیل تر شد. هدف ما بیان و شرح آن تئوری از دیدگاه فقه اقتصادی می باشد تا ریشه های جرم را دریابیم.

مواد و روش ها: این تحقیق از نوع نظری بوده؛ روش تحقیق به صورت توصیفی- تحلیلی می باشد و روش جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری مراعات شده است.

یافته ها: تاثیر اقتصاد بر جرم از مسلمات این پژوهش است و اینکه عدم توزیع یکسان وسایل رسیدن به آرمانها و اهداف می تواند گاهی به جرم ختم شود. شخصیت افراد در مواجهه با فشارها تعیین کننده نتایج است.

نتیجه: تقویت ویژگیهای شخصیتی افراد در کنار کاهش اختلاف طبقاتی، می تواند باعث کاهش جرم شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۱۸-۳۰۳

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸

واژگان کلیدی:

نظریه فشار، اقتصاد، جرم، رابرت مرتون، مال.

نویسنده مسئول:

علیرضا مهرافشان

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی.

تلفن:

09122644146

کد ارکید:

0009-0006-5764-8598

پست الکترونیک:

mehrafshana@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

جرم‌شناسی حوزه وسیعی را شامل می‌شود که یکی از آن زمینه‌ها جامعه‌شناسی جنایی می‌باشد. نظریه فشار از جمله موضوعات مهمی می‌باشد که در این شاخه تحلیل می‌گردد. در این میان، شرایط مالی و اقتصادی جامعه، اختلاف طبقاتی و فاکتورهایی از این دست، در نظریه حاضر بسیار مهم می‌باشد. عدم توزیع ابزارهای نسبتاً یکسان بین افراد جامعه و تاکید افراطی بر ارزش‌هایی چون ثروت و .. بدون اینکه وسایل رسیدن به آن ارزشها مهیا شده باشد از مباحثی است که می‌توان در این زمینه تحلیل نمود. جرم محصول این عدم هماهنگی بین اهداف و وسایل است که در نظریه مرتون بررسی می‌شود. متعاقباً اگنیو با تکمیل نظریه رابرت مرتون، روانشناسی را وارد این نظریه نموده و دو مفهوم اقتصاد و جرم را تا حدی متأثر از این می‌داند. ضرورت و اهمیت این تحقیق در تأثیرگذاری اقتصاد بر بسیاری از جنبه‌های زندگی است و نپرداختن به آن به نوعی باعث گسترش فساد در جامعه و رفتن اجتماع به سمت افسردگی و احساس سرخوردگی عمیق است. در این تحقیق بر آنیم تا به دو سوال در نتیجه‌گیری پاسخ دهیم. این دو سوال اصلی اینست که اولاً فشارهایی که از بیرون بر فرد وارد می‌شود (نظریه رابرت مرتون) می‌تواند فرد را به سمت جرم سوق دهد؟ دوماً آیا عوامل تأثیرگذار درونی و شخصیتی در نظریه اگنیو، می‌توانند بازدارندگی برای این امر ایجاد کنند؟ ضمناً فقه و دیدگاهی که شریعت اسلام در این زمینه دارد نیز می‌تواند بررسی گردد و در کنار نظریات این دو اندیشمند مورد مذاقه قرار گیرد. هدف ما رفتن به سمتی است که دیدگاههای جامعه شناختی از جرم بیشتر مورد توجه قرار گیرد و با افزودن

روانشناسی به این تحلیل‌ها به نتایج بسیار قوی در زمینه جلوگیری از وقوع جرم برسیم. جرم و انحراف اگرچه در نگاه دورکیم می‌توانند در حد متعارف خود، پدیده‌ای به هنجار به حساب بیایند ولی از نظر همین اندیشمند و رابرت مرتون در صورتی که در هر سنخ اجتماعی از حد عادی خود خارج شود می‌تواند یک نوع از انومی و بی‌هنجاری را منجر گردد. بی‌هنجاری که ناشی از یاس و ناامیدی افراد آن جامعه و سرخوردگی ایشان از شرایط اجتماعی می‌باشد. در صورت عدم توجه به آن و نیافتن ریشه‌ها، می‌تواند موجب تورم کیفری و از هم گسیختگی تمام بنیانهای مدنی جامعه شود و در این مرحله است که دیگر اقدام و عمل برای بازگشت به حالت عادی، بسیار سخت و دشوار می‌باشد. از جهت نوآوری تحقیق به نظر می‌آید اولین بار می‌باشد که دیدگاههای اگنیو که بعد از رابرت مرتون به شرح نظریات فشار پرداخته، بیان می‌گردد. همینطور از نظر پیشینه کمتر به نظریات مرتون در مقالات پرداخته شده و عموماً در مباحث جامعه‌شناسی جنایی شرح مختصر و گذرای از آن در کارهای پژوهشی دیده می‌شود. به همین منظور بیان و شرح آن فایده‌مند به نظر می‌رسد. در پژوهشهای خارجی تحقیقات بسیار کامل‌تری در این حوزه دیده می‌شود که منبع اصلی پژوهش ما نیز می‌باشد. برای مثال رابرت اگنیو چند مقاله قوی در دانشگاه‌های آمریکا در این خصوص و در تکمیل نظریه فشار چاپ کرده اند.

۲. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده؛ روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با

مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

تأثیر اقتصاد بر جرم از مسلمات این پژوهش است و اینکه عدم توزیع یکسان وسایل رسیدن به آرمانها و اهداف می‌تواند گاهی به جرم ختم شود. شخصیت افراد در مواجهه با فشارها تعیین کننده نتایج است. انسان موجودی پیچیده است و ساده انگاری رفتارهای انسان نمی‌تواند درک درستی از جرم به ما بدهد. مهارت‌های فردی افراد، استرس، خودپنداره‌های درونی و بسیاری از عوامل دیگر در کنار ساختار طبقاتی ناعادلانه جامعه می‌تواند منجر به جرم شود.

۵. بحث

اهداف و وسایل موضوع اصلی این بحث می‌باشد که در اشکال مختلف تشریح می‌گردد. در آخر نیز یک مفهوم مهم یعنی خودکشی که متأثر از دو واژه اخیر است تحلیل می‌شود.

۵-۱. جرم، یک پاسخ عادی

از نظر رابرت مرتون در مراحل خاصی از ساختار اجتماعی شرایطی ایجاد می‌شود که در آن نقض قوانین اجتماعی (جرم) یک پاسخ «عادی» محسوب می‌شود. (مرتون، ۱۹۳۸، ۶۷۲) دیدگاه فشار به یکی از توضیحات نظری پیشرو برای جرم تبدیل شده است. دیدگاه فشار استدلال می‌کند که طیف وسیعی از عوامل بر چگونگی مقابله افراد با فشارها از طریق جرم تأثیر می‌گذارند. گفته

می‌شود افرادی که مهارت‌ها و منابع مقابله‌ای ضعیفی دارند، حمایت اجتماعی کمی دارند، کنترل اجتماعی پایینی دارند و باورهای مساعدی برای جرم دارند، احتمال مجرم شدنشان بیشتر است. دیدگاه فشار بر فشارها و عوامل استرس‌زایی که احتمال جرم را افزایش می‌دهند، احساسات منفی (از جمله خشم) ناشی از آن فشارهایی که از درون و بیرون بر فرد اعمال می‌شود و عواملی که بر احتمال مقابله با جرم تأثیر می‌گذارند، تأکید دارد. (گتسالک، ۲۰۲۲، ۲۸۴۹) البته سیاست جنایی هر کشوری برای این پاسخ عادی مجرم، معمولاً مجازات است که به نوعی یک راه حل مقطعی بوده و با پیشگیری وضعی و اجتماعی، بهتر می‌توان از انواع جرایم بخصوص جرایم اقتصادی پیشگیری کرد. (ناتری، ۱۳۹۰، ۲۱۵) در واقع مرتون می‌خواهد بگوید که در صورت وجود برخی فشارها به طور خود به خودی، جرم به دنبال آن می‌آید و این رفتار مجرم خیلی دور از واقعیت نبوده و امر عجیبی نیست. درست مثل اینکه با زدن ضربه چکش به دست دیگری او بلند شده و از شدت درد فریاد می‌زند در اینجا نیز فریاد مجرم با ارتکاب عمل مجرمانه صورت می‌گیرد.

۵-۱-۱. اهداف و وسایل

مورد اول در نظریه فشار شامل اهداف، مقاصد و علایق تعریف‌شده فرهنگی است. این اهداف کم و بیش یکپارچه هستند و درجات مختلفی از اعتبار و احساسات را در بر می‌گیرند. مرحله دوم ساختار اجتماعی، شیوه‌های قابل قبول دستیابی به این اهداف را تعریف، تنظیم و کنترل می‌کند. هر گروه اجتماعی همواره مقیاس اهداف مطلوب خود را با معیار اخلاقی یا نهادی رویه‌های مجاز و مورد نیاز برای دستیابی به این اهداف، پیوند می‌دهد.

بسیاری از رویه‌هایی که از دیدگاه افراد در رسیدن به ارزش‌های مطلوب، کارایی دارند، مانند طرح‌های غیرقانونی سهام نفت، دزدی، کلاهبرداری، از حوزه رفتار مجاز نهادی و اخلاقی خارج می‌شوند. (مرتون، ۱۹۳۸، ۶۷۳) در واقع نهاد یا اخلاق از نظر مرتون همان راه‌ها و وسایل صحیح و درست می‌باشند که برخی آنها را برای رسیدن به اهداف بر نمی‌گزینند و به سمت جرایم نامبرده می‌روند. در تحلیل یکی از مصادیقی که این اندیشمند اشاره کرده یعنی کلاهبرداری باید بگوییم که این رفتار به عنوان یک جرم مالی و اقتصادی در متن خود تزویز دارد و فرد به جای استفاده از خشونت از نوعی فریب برای انجام جرم استفاده نموده است. در اینجا وسیله به کار رفته نامشروع است و نظریه فشار به عنوان یک نظریه تک عاملی به عنوان یکی از تحلیلهای اقتصادی جرم به این مساله که نوعی آنومی و بی‌هنجاری می‌باشد پرداخته است. سایر نظریات این حوزه نظریه فرصت، نظریه نظم اجتماعی، نظریه نظم فردی، نظریه گایس و نظریه‌های چند عاملی مانند فونتان، کوراکیس و بائر می‌باشد. (حطمی، ۱۳۹۸، ۹۸) در مقام مقایسه با فقه و شریعت اسلام، وقتی صحبت از اهداف و وسایل می‌شود توزیع منطقی ثروت اولین چیزی است که به ذهن می‌رسد و ستمگری و تبعیض در این امر و عدم وجود روابط عادلانه، نابسامانیهای اقتصادی و اجتماعی را ایجاد می‌کند. (صدر، ۱۳۵۷، ۲۹۶-۲۹۵). برخی محققین حتی قوانین موضوعه را به نوعی تبعیض آمیز می‌دانند. برای مثال همینکه در قانون آیین دادرسی اغلب کشورها عجز از پرداخت وثیقه موجب بازداشت می‌شود که این به نوعی ضعف سیستمهای منشعب از عقل بشری است. در عوض در اسلام مراحل تکوین و رشد قوانین بشری بسیار

سریعتر به نهایت مرتبه خود رسیده است. مصداق آن را در سوره حجرات آیه سیزده می‌بینیم که تفاوت انسانها را صرفاً از باب تقوا می‌داند و نه مال و ثروت. (عوده، ۱۳۷۳، ۶۸-۶۶) البته این به معنی نفی بنای عقلا نیست زیرا بنای عقلا منبع بسیار مهمی برای بسیاری از تصمیم‌گیریهاست (مظفر، ج دوم، ۱۳۸۱، ۱۹۶) منتهی در شرع اکتفای صرف به عقل صورت نمی‌گیرد و بسیاری از منقولات شرعی که مطمئناً با معقولات همخوانی دارد می‌تواند زیربنای احکام اسلامی باشد که این منقولات و روایات یا آیات قرآن ما را سریعتر به اهداف عدالت اقتصادی رهنمون می‌شوند.

۵-۱. کاربردی‌ترین روش، نه لزوماً اخلاقی

رفتار نابهنجار را می‌توان به عنوان نشانه‌ای از گسست بین آرمان‌های تعریف‌شده فرهنگی و ابزارهای ساختاریافته اجتماعی در نظر گرفت. پس تنها سؤال مهم این است که کدام وسیله موجود در به دست آوردن ارزش مورد تأیید اجتماعی کارآمدتر است؟ از نظر تکنیکال یا حرفه ای گری، چه مشروع و چه غیرمشروع، عملی‌ترین روش بر رفتار تجویز شده توسط نهادها و اخلاق ترجیح داده می‌شود. (مرتون، ۱۹۳۸، ۶۷۴) بنابراین، در ورزش‌های رقابتی، وقتی هدف پیروزی، از ارزشهای نهادی خود عاری می‌شود و موفقیت در مسابقات از طریق شیوه‌های نامشروع (اما از نظر حرفه‌ای گری، ظاهراً کارآمد) به استفاده از ابزارهای مشروع رجحان می‌یابد، ما شاهد غلبه امور غیر اخلاقی و غیر نهادی هستیم. ستاره تیم فوتبال حریف، مخفیانه مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد؛ کشتی‌گیر مخفیانه حریف خود را از طریق تکنیک‌های مبتکرانه اما غیرقانونی ناتوان می‌کند؛ (مرتون، ۱۹۳۸، ۶۷۵) یک روش تکنیکال از نظر مرتون همان چیزی است که

۵-۲. تأکید افراطی بر اهداف

از نظر مرتون تأکید افراطی بر انباشت ثروت به عنوان نمادی از موفقیت در جامعه‌ی آمریکا، در تضاد با شیوه‌های نهادی تنظیم‌شده برای کسب ثروت است. کلاهبرداری، فساد، جرم و جنایت، به طور خلاصه، کل فهرست رفتارهای ممنوعه، زمانی که تأکید افراطی بر هدف موفقیت القا شده توسط فرهنگ عامه وجود دارد؛ به طور فزاینده‌ای رایج می‌شود. (مرتون، ۱۹۳۸، ۶۷۵) به همین دلیل، در درجه اول به فعالیت اقتصادی به معنای وسیع کلمه، یعنی «تولید، مبادله، توزیع و مصرف کالاها و خدمات» در جامعه رقابتی خود، که در آن ثروت نقشی بسیار نمادین به خود گرفته است، اشاره می‌کند. و اینکه وظیفه خود را این می‌داند که بررسی کند چرا اگر افرادی تمایل دارند در این چرخه اقتصادی قرار بگیرند و رشد کنند تحت برخی عوامل که بعداً اشاره می‌کند، زیر فشار قرار می‌گیرند. (مرتون، ۱۹۳۸، ۶۷۷) تأکید بیمارگونه و افراطی بر ثروت و هر ارزشی تالی فاسدهای فراوانی دارد. در واقع با این تأکید، نوعی جهت دهی انگیزشی منفی در اذهان مردم ایجاد می‌شود که حتماً باید به هر قیمتی به آن هدف برسند؛ حتی با انجام جرم. در صورت عدم دستیابی نیز در بهترین وضعیت، حتی اگر جرمی انجام نداده باشند؛ نوعی افسردگی و سرخوردگی برایشان حاصل می‌شود. مرتون به این طرز تفکر القایی به افراد جامعه، انتقاد می‌کند؛ بخصوص زمانی که ابزارهایی دستیابی به این القائات یا ارزشها برای همه محیا نیست.

نظریه‌های سطح خرد، مانند نظریه فشار مرتون و نظریه معاشرتهای ترجیهی ساترلند، بینش‌هایی را در مورد انگیزه‌های فردی ارائه می‌دهند. نظریه فشار مرتون برای تجزیه و تحلیل چگونگی تأثیر

امروزه به آن توصیه می‌شود و آن حرفه‌ای رفتار کردن و احساسی نبودن است. شاید همان بی‌رحمی در دنیای امروز می‌باشد که هر روشی را برای رسیدن به اهداف را مجاز دانسته و اسم آن را حرفه‌ای‌گری می‌نامد. مثالهایی که وی از ورزش می‌زند برای تقریب به ذهن است و گرنه رفتارهای غیر نهادی و غیر اخلاقی در جامعه بسیار فراتر از این است؛ زیرا در هر جامعه فراتر از یک پیروزی ورزشی با انواع تقلب و نیرنگ برای تصاحب اموال، مناصب، مشاغل، موقعیتهای اجتماعی و ... روبرو هستیم. از نظر فقهی می‌توان اکل مال به باطل را در این زمینه اشاره نمود که خوردن ناعادلانه مال دیگری را غیر اخلاقی و حرام می‌داند. که البته این مال می‌تواند مفهومی موسع اعم از خدمات، پیروزی ناعادلانه در یک امتحان یا ورزش، کالاها و .. را داشته باشد. ذیل این عمل باطل و حرام، بسیاری از اعمال غیر قانونی مانند سرقت، ربا، قمار، نیرنگ، تصرف عدوانی، سوگند دروغ و .. قرار می‌گیرد. از آنجا که هرگونه تصرف در اموال باید بر اساس عدل و انصاف باشد در صورتی که اینگونه نباشد حرام و باطل است. (شعبانی، ۱۴۰۱، ۲۳) مبنای بسیاری از قواعد اسلام اخلاق است و این خاص دین اسلام نیست بلکه در شریعت یهود نیز این مساله تأکید شده است. (سلیمانی، ۱۳۸۴، ۱۶۳) از طرفی مفهوم عدالت در اسلام فقط به حقوق انسانی باز نمی‌گردد بلکه کل مخلوقات را شامل می‌شود. (نوروزی، ۱۴۰۱، ۱۰۸) توجه به مفاهیم اخلاقی در درجه اول و توجه به حقوق همه موجودات اعم از انسان و حیوان ویژگی خاصی است که فقط می‌توان در مکتب اسلام مشاهده کرد. خروجی چنین اخلاق‌گرایی در صورتی که در عمل به درستی اجرا شود همان عدالت اسلامی است.

فشارهای مالی، برای دستیابی به اهداف درآمدی غیرواقعی و افراطی، به رفتار متقلبانانه برخی سازمانها اشاره می‌کند. به همین ترتیب، نظریه معاشرتهای ترجیهای ساترلند، تأثیر تعاملات اجتماعی و رفتار همسالان را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه شیوه‌های غیراخلاقی می‌توانند در خرده فرهنگ‌های سازمانی تکثیر شوند. (رمضان، ۲۰۲۵، ۳) تاکید افراطی بر اهداف به ویژه اهداف اقتصادی تا زمانی که برابری و عدالت نسبی حاکم نشده، بی‌معناست. در واقع همانطور که اصول و قواعد فقهی تأکید دارند؛ برای رشد اقتصادی می‌باید معیارهایی حاکم باشد تا در آن صورت انتظار سلامت اداری و اقتصادی در جامعه را داشت. (احمدزاده ذوالپیرانی، ۱۴۰۳، ۳۲۲) کلماتی مانند ظلم، فسق، اسراف، افراط، ستم، استکبار و .. بر خارج شدن از عدالت اشاره می‌کنند. از نظر قرآن نیز هرگونه خارج شدن از مسیر فطرت الهی ظلم محسوب می‌شود. (رستمی، ۱۳۸۴، ۳۰۵)

نظریه‌های جرم‌شناسی در سطح خرد، بر فرد و محیط پیرامون او تمرکز می‌کنند و عوامل شخصی و روان‌شناختی محرک رفتار مجرمانه را بررسی می‌کنند. این چارچوب‌ها به ویژه در درک جرایم یقه سفید، مانند کلاهبرداری در شرکت‌ها، که در آن انتخاب‌ها و اقدامات فردی نقش محوری دارند، مرتبط هستند. نظریه‌هایی مانند نظریه فشار مرتون، نظریه معاشرتهای ترجیهای ساترلند و نظریه فشار عمومی اگنیو، به بررسی فشارها، انتظارات اجتماعی و روابط اجتماعی که افراد را به سمت رفتارهای انحرافی سوق می‌دهد، می‌پردازند. محققان با تجزیه و تحلیل این موارد، قصد دارند علل ریشه‌ای رفتار متقلبانانه را کشف کرده و استراتژی‌هایی را برای جلوگیری از چنین

اقداماتی در محیط‌های شرکتی و غیره شناسایی کنند. (رمضان، ۲۰۲۵، ۹) برخی کنترل صحیح کارکنان، ارتقای انگیزه، رفع نیاز شاغلین در شرکتها و بالابردن فرهنگ را از عوامل پیشگیری جرایم اقتصادی دانسته اند. (حسینی بهبهانی، ۱۴۰۳، ۴۵۲)

نظریه فشار مرتون، که تنش بین آرمان‌های اجتماعی و موانع ساختاری برای دستیابی به آنها را بررسی می‌کند، برای درک تخلفات مالی به کار گرفته شده است. به عنوان مثال، دانگان و گانون و لوکانان بررسی کرده‌اند که چگونه اهداف غیرواقعی شرکت‌ها می‌تواند فشارهایی ایجاد کند که افراد را به ارتکاب تقلب سوق دهد. اگنیو با نظریه فشار عمومی، این دیدگاه را با در نظر گرفتن طیف وسیع‌تری از عوامل استرس‌زا، مانند درگیری‌های محل کار یا ناامنی شغلی، به عنوان محرک‌های بالقوه برای رفتار انحرافی، گسترش می‌دهد. این بینش‌ها بر اهمیت پرداختن به عوامل استرس‌زای سازمانی، برای کاهش خطرات تقلب تأکید می‌کنند. نظریه معاشرتهای ترجیهای ساترلند نقش تعاملات اجتماعی و نفوذ همسالان را در تقویت رفتار متقلبانانه برجسته می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد که چگونه تفکرات حرفه‌ای گری می‌توانند شیوه‌های غیراخلاقی را در سازمان‌ها ترویج دهند. (رمضان، ۲۰۲۵، ۹) از سوی دیگر، نظریه‌های سطح کلان، از جمله نظریه نهادی و نظریه بوم‌شناختی، با بررسی تأثیر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و نهادی بر رفتار متقلبانانه، دیدگاه وسیع‌تری ارائه می‌دهند. این چارچوب‌ها در کنار هم، پایه و اساس جامعی را برای درک ماهیت چندوجهی کلاهبرداری و جرایم مالی تشکیل می‌دهند. (رمضان، ۲۰۲۵، ۱۰) رفتارهای متقلبانانه چه به صورت فردی و چه در

سطح سازمانی می تواند نتیجه همین افراط در تمرکز جامعه بر روی ارزشها باشد. این مساله ای است که از نظر بیشتر شریعت ها از جمله اسلام تقبیح شده. می توان گفت در شریعت اسلام، حتی زیاده روی در ارزشهای معنوی هم مورد انتقاد قرار گرفته. دین و دنیا از نظر اسلام به طور مساوی دارای ارزش می باشد. از خودگذشتگی بیش از حد یا مال پرستی خارج از منطق، هر دو در این دین مذموم است. در مقابل بسیاری راهکارهایی وجود دارد که در حکومت اسلامی نیز برای مقابله با این زیاده خواهی وضع شده است. برای نمونه، اشخاصی که به سمت مال اندوزی بی حد و حصر می روند و در عین حال تمایل دارند از ابزارهای نامشروع برای این امر استفاده کنند؛ از نظر اسلام قابل مجازات هستند. در جرایم مالی که از جمله آن عدم پرداخت مالیات می باشد، اگرچه از نظر شرعی رفتار ارتكابی فی نفسه جرم نیست؛ ولی به جهت اینکه حکومت اسلامی این نوع از پرداخت را برای حفظ نظام اسلامی ضروری دانسته، جرم انگاری صورت گرفته است. در واقع در اینجا مصلحت و نظم عمومی زیربنای قابل مجازات دانستن رفتار است و حاکم شرع می تواند فرد را به یکی از مجازاتهای تعزیری که مناسب او می داند محکوم کند. (مهدوی، ۱۳۹۶، ۱۲۷)

۵-۳. تضاد یا آنومی

تضاد، زمانی رخ می دهد که اهداف فرهنگی تبلیغ می شوند و فرد سعی در قبول کردن آنها می نماید ولی از سوی دیگر، هنجارهای نهادینه شده ای که نوید دستیابی موفقیت آمیز به اهداف را می دهند، در دسترس فرد نیستند. در چنین مواردی، یک تضاد ذهنی دوگانه ایجاد می شود و تا جایی که فرد از ابزارهایی که هم مشروع و هم مؤثر هستند، محروم می شود (مرتون، ۱۹۳۸، ۶۷۷)

باید توجه داشت که در جایی که ناامیدی ناشی از عدم دسترسی به ابزارهای نهادی مؤثر برای دستیابی به موفقیت اقتصادی یا هر نوع دیگری از موفقیت به وجود می آید، سازگاری های از نوع نوآوری، آیین گرایی و شورش نیز امکان پذیر است. این شامل استفاده از ابزارهای ممنوعه مرسوم اما اغلب مؤثر، برای دستیابی به حداقل موفقیت تعریف شده فرهنگی - ثروت، قدرت و موارد مشابه - است. از نظر مرتون تحقیقات نشان داده است که فساد یا همان جرم در نزدیکی ضلع شمالی شیکاگو، پاسخی «عادی» به موقعیتی است که در آن تأکید فرهنگی بر موفقیت مالی می باشد، اما دسترسی کمی به ابزارهای متعارف و مشروع برای دستیابی به چنین موفقیتی وجود دارد. فرصت های شغلی متعارف افراد در این منطقه تقریباً به طور کامل به کار یدی محدود می شود. با توجه به انگ فرهنگی آمریکا نسبت به کار یدی و مرتبط با آن (در مقابل اعتبار دهی به مشاغل یقه سفید) واضح است که نتیجه، گرایش به شیوه های نوآورانه است. (مرتون، ۱۹۳۸، ۶۷۸) در واقع نوآوری و سازگاری در اینجا همان تطبیق خود با واقعیات درناک جامعه است و آن جرم می باشد. این به این معنی است که مجرم باید در تطبیق خود با جامعه، نوآورانه، خلاقانه و سازگارانه (منتهی از بعد منفی)، رفتار کند تا به ارزشهای مورد نظر جامعه برسد. از نظر فقهی افرادی که از ابزارهای نامشروع برای رسیدن به اهداف خود استفاده میکنند در واقع از باب اضرار به غیر و قاعده لاضرر می توان اعمالشان را ضد اجتماع و جرم دانست و البته در مورد اینکه چه میزان ضرر برای جرم انگاری لازم است فقه امامیه سکوت کرده. (مهدوی، ۱۳۹۶، ۱۲۵) فقه به واقعیات عینی توجه دارد. همانگونه که وظیفه

حکومت اسلامی را در توزیع مناسب ثروت می داند، در مقابل از شهروندان نیز می خواهد با زیاده خواهی موجب اضرار به غیر نشوند و در صورت ایجاد صدمه و ضرر، چه مدنی و چه کیفری باید بتوان داد و مواخذه شوند. درست است که طبق قاعد تسلیط افراد می توانند بر اموال خود دخل و تصرف داشته باشند ولی دخل و تصرفی که با قاعده لاضرر تناقض داشته باشد قابل پذیرش نیست. (محقق داماد، ۱۳۷۶، ۱۶۰) در واقع اگر تغلب، اغفال و امور اینچنینی که استفاده از ابزارهای نامشروع برای رشد می باشد به کار رود از نظر شرعی مردود است. حتی اسلام به فکر افرادی می باشد که به دلیل عقب افتادگیهای ساختاری می خواهند متغلبانه رفتار کنند. در واقع اسلام با درک فقدانهای این افراد به آنها توصیه می کند تا با پرداختن به تواناییهای مثبت خود راه پیشرفت را به نحو صحیح طی کنند؛ مساله ای که سایر نظریه پردازان بعد از مرتون عنوان کردند. از نظر رابرت مرتون نتیجه این تضاد چیست؟ بسیار واضح است روشهای مرسوم جامعه برای کسب درآمد کارا نیستند و در کنار محدودیت منابع اقتصادی، افراد به شیوه های غیر مرسوم برای رسیدن به ارزشهایی مانند ثروت دست می زنند و آن روشهای غیر مرسوم غالباً جرم هستند. خواسته های فرهنگی که از افراد در این موقعیت می شود، با هم سازگار نیستند. از یک سو، از آنها خواسته می شود که رفتار خود را به سمت چشم انداز انباشت ثروت سوق دهند و از سوی دیگر، تا حد زیادی از فرصت های مؤثر برای انجام این کار به صورت نهادی محروم می شوند. پیامدهای چنین ناهماهنگی ساختاری، شخصیت روان پریشانه و یا رفتار ضد اجتماعی و فعالیت های انقلابی است. (مرتون، ۱۹۳۸، ۶۷۹)

باید مراحل دیگر ساختار اجتماعی را علاوه بر تأکید شدید بر موفقیت مالی، در نظر بگیریم. فراوانی بالای رفتار انحرافی صرفاً به دلیل کمبود فرصت یا تأکید اغراق آمیز بر موفقیت مالی ایجاد نمی شود. یک ساختار طبقاتی نسبتاً سفت و سخت، یک نظم فئودالی یا کاستی، ممکن است چنین فرصت هایی را بسیار فراتر از نقطه ای که در جامعه امروز ما وجود دارد، محدود کند. تنها زمانی که یک سیستم ارزش های فرهنگی، عملاً بیش از هر چیز دیگری، نمادهای مشترک خاصی از موفقیت را برای کل جمعیت ستایش کند، در حالی که ساختار اجتماعی آن، دسترسی به شیوه های تأیید شده برای دستیابی به این نمادها را برای بخش قابل توجهی از همان جمعیت به شدت محدود یا کاملاً از بین ببرد، رفتار ضد اجتماعی در مقیاس قابل توجهی رخ می دهد (مرتون، ۱۹۳۸، ۶۸۰) بسیاری از تاسیساتی که در اسلام ایجاد شده برای از بین بردن این فاصله طبقاتی و تقسیم غیر عادلانه ثروت در جامعه است. برای نمونه وقف را می توان مثال زد که در اشکال مختلف به آن اشاره گردیده. یک شکل آن وقف در راه خداست که به هر نحوی که حائز ثواب و خیر باشد و باعث تقریب افراد به خداوند گردد قابل صرف است. (شهید اول، ۱۳۷۴، ۸۸) اما مجرم همواره می خواهد راهی برای فرار از مسیر درست پیدا کند چه در اسلام راه حلی وجود داشته باشد یا نه. شاید بتوان تا حدی رفتار مجرم را با این تضاد توجیه نمود و به سمت دلایل ارتکاب جرم پیش رفت و نه آنچه که اتفاق افتاده. در جامعه ای که تبلیغات زیادی بر مال اندوزی و ثروت می شود؛ بروز جرم برای افراد نا آگاه، امر غیر قابل اجتناب است. جالب اینجاست که در چنین جامعه ای که می توانیم کشور خود را از

مصادیق آن بدانیم به جای توجه به ریشه‌ها دایما در حال به چالش کشیدن نوع مجازاتها هستند. نمونه آن مفسدین اقتصادی می‌باشند که در برخی حالات، محاربه برای آنان منظور شده که نه شریعت و نه عقل چنین افراط و تفریطی در مجازاتها را بر نمی‌تابد و همانطور که گفته شده چنین مجازاتی با رویکرد ناپیامدگراست که به نوعی سزادهی و ارباب صرف را در متن خود عیان می‌کند. (احمدزاده ذوالپیرانی، ۱۴۰۳، ۳۲۲)

۵-۴. خروجی نهایی (جرم)

با این حال، زندگی اجتماعی واقعی به گونه‌ای است که در دسترسی به این نمادهای موفقیت مشترک (مثل ثروت، موقعیت اجتماعی و ..)، تفاوت‌های طبقاتی وجود دارد. ناامیدی و آرزوهای ناکام، منجر به جستجوی راه‌های فرار از یک وضعیت غیرقابل تحمل (ناشی از فرهنگ غلط ترویج ثروت) می‌شود؛ یا جاه‌طلبی‌های ارضا نشده ممکن است به تلاش‌های غیرقانونی برای دستیابی به ارزش‌های غالب منجر شود. بنابراین، تأکید آمریکایی‌ها بر موفقیت مالی و جاه‌طلبی برای همه، اضطراب‌ها، خصومت‌ها، روان‌رنجوری‌ها و رفتارهای ضداجتماعی اغراق‌آمیز را به دنبال دارد. این تحلیل نظری می‌تواند تا حد زیادی به توضیح همبستگی‌های متغیر بین جرم و فقر کمک کند. فقر یک متغیر مجزا نیست. بلکه عوامل و فشارهای زیادی در آن دخیل هستند (مرتون، ۱۹۳۸، ۶۸۰)

استرس یک حالت روانی است که از عدم تطابق بین خواسته‌های درک شده و توانایی فرد برای برآورده کردن آن خواسته‌ها با توجه به منابع موجود، ناشی می‌شود. فشارها، رویدادها و شرایطی هستند که افراد از آنها بیزارند. فشارها منجر به احساسات منفی می‌شوند و در نتیجه

یک اقدام اصلاحی منحرفانه در مقابل آن فشار انجام می‌دهند. جرم یکی از اقدامات ممکن است که برای برخی از نخبگان، افراد عادی، صاحبان مشاغل و ... به عنوان وسیله‌ای برای فرار یا کاهش فشارها، مطلوب به نظر می‌رسد. فشار ناشی از دنبال کردن اهداف در جامعه، منجر به سازگاری‌هایی مانند جرم، بزهکاری و سایر رفتارهای انحرافی شود. بزهکاری زمانی رخ می‌دهد که افراد قادر به دستیابی به اهداف خود از طریق کانال‌های مشروع نباشند (گتسالک، ۲۰۲۲، ۲۸۵۰) در اسلام عدم دسترسی به وسایل مشروع می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. برای مثال فساد یکی از این مقولات است و اینکه ثروت فقط در دست عده‌ای باشد و دیگران صرفاً نظاره گر، نحوه برخورد متولیان امر نیز تعیین کننده است. مماشات با کسانی که بیشترین وسایل و راحت ترین آنها را برای ارتقای خود دارند و با فساد به آن رسیده اند مسلماً سایر افراد را (بخصوص اشخاصی را که زمینه رفتن به سمت جرم را دارند)، نا امید و جری و تحریک می‌کند تا آنها نیز با یک روش انحرافی بتوانند به ارزشهای جامعه از جمله پول و ثروت برسند. در نهج البلاغه مولا علی (ع) در نامه‌ای به شریح قاضی می‌نویسد: « به من خبر رسیده که خانه‌ای به قیمت هشتاد دینار خریده و آن را قبالة کرده‌ای و بر آن شهود و گواه گرفته‌ای ... ای شریح به زودی کسی به سراغت خواهد آمد که نه قبالة ات را نگاه می‌کند و نه از شهودت می‌پرسد تو را از آن خارج می‌کند و تنها تو را به قبرت تحویل می‌دهد... » (نهج البلاغه ج ۳، ۱۷)

خوردن مال دیگران امری نیست که فقط در کتب اسلامی آمده باشد در آثار ادبی بزرگ جهان که به هفت گناه کبیره اشاره دارند می‌توان

کمدی الهی دانته را در فصل دوزخ مورد اشاره قرار داد که در آن حيله گران به چند دسته تقسيم می‌شوند و در یک دسته سوداگران و مختلسين قرار می‌گیرند. (دانته، ۱۳۹۵، ۳۶۰)

۵-۵. توجیه وسیله با هدف

بنابراین، در جوامعی مانند جامعه آمریکا، دکترین «هدف، وسیله را توجیه می‌کند» به یک اصل راهنما برای عمل تبدیل می‌شود، زمانی که برخی مفاهیم غلط فرهنگی، هدفی را بیش از حد ستایش می‌کند و ساختار طبقاتی جامعه، توسل به ابزارهای تأیید شده را بیش از حد محدود می‌کند. به عبارت دیگر، این مفهوم و رفتار مرتبط با آن، نشان‌دهنده فقدان هماهنگی فرهنگی است. این دکترین باعث می‌شود تا در روابط بین‌الملل، معاهدات به کاغذپاره تبدیل می‌شوند، بمباران جمعیت‌های غیرنظامی توجیه می‌شود و بسیاری رفتار غیر منطقی دیگر رخ دهد. (مرتون، ۱۹۳۸، ۶۸۱) در چنین موقعیت‌هایی، همانطور که هابز مشاهده کرد، زور و تقلب با توجه به کارایی نسبی آنها در دستیابی به اهداف، (که البته برای او از فرهنگ درست ناشی نشده بودند) به عنوان تنها فضایل ستودنی شناخته می‌شوند و آنومی رخ می‌دهد. (مرتون، ۱۹۳۸، ۶۸۲) حال با بستر آماده شده برای آنومی، هر حوزه‌ای از مقولات جامعه می‌تواند درگیر و آلوده آن شود. در زمان مرتون فضاهای سنتی جرم مطرح بود و امروزه فضاهای جدیدتر مانند محیط‌های سایبری و دیجیتال، جرایم سایبری را می‌طلبد. فرصت‌های آسانی که فضای مجازی در اختیار افراد می‌گذارد با قربانیان در دسترس و پاداشها و عواید مالی کلان، اشخاص را به سمت این ناهنجاری یعنی جرم سوق می‌دهد، بخصوص وقتی بسترهای از پیش گفته شده یعنی انواع فشارها وجود داشته باشد.

(اونوادیامو، ۲۰۲۵، ۸) در شریعت اسلام به وضوح هیچ تکلیفی بر افراد بار نمی‌شود مگر اینکه پیشتر امکان انجام آن مساله برای فرد فراهم شده باشد. اگر در جامعه ثروت به درستی تقسیم نشود و آن جامعه در وضعیت قحطی و اضطراب قرار گیرد مجازات سرقت حدی اعمال نمی‌شود. در واقع مصالح شریعت موضوعی نیست که در دین اسلام بتوان آن را نادیده گرفت و گاهی این مصلحت بر همه چیز مقدم می‌شود. (محمدی، ۱۳۷۷، ۲۲۷)

۵-۶. چالش اگنیو

نظریه نخستین فشار که توسط مرتون ارائه شد، نشان می‌دادند که جرم نتیجه شکاف بین آرزوها و نتایج است. نظریه اگنیو، که GST (۱) یا نظریه عمومی فشار نامیده می‌شود، با لحاظ فشار ناشی از سه منبع، شکست در دستیابی به اهداف مثبت، از دست دادن محرک‌های مثبت و ارائه محرک‌های منفی، یک چارچوب قابل چالش برای نظریه مرتون ایجاد می‌کند. این اضافات، تعداد فشارهای مورد توجه مرتون را گسترش می‌دهد. همچنین لازم به ذکر است که اگنیو اظهار داشت که خود این فشارها مستقیماً به جرم منجر نمی‌شوند، بلکه توسط احساسات منفی مانند ناامیدی و خشم، تقویت شده و به جرم می‌انجامند. در بسیاری از موقعیت‌ها، یک فشار ممکن است فرد را به انجام اقدامات اصلاحی مثبت یا تغییر چارچوب فشار به شیوه‌ای جامعه‌پسند سوق دهد. به این ترتیب، فشارها همیشه منجر به جرم نمی‌شوند. (پارتی، ۲۰۲۴، ۲۱۲)

فقط برخی از افراد با بزهکاری به فشار، واکنش نشان می‌دهند و برخی هم بزهکاری را انتخاب نمی‌کنند. (بر خلاف نظریه فشار مرتون) از نظر اگنیو اگر قرار است GST، بزهکاری را بهتر

به بزهکاری روی می‌آورند و این امر تعیین عواملی را که بر واکنش به فشار تأثیر می‌گذارند، بسیار مهم می‌کند. (اگنیو، ۲۰۰۲، ۴۴)

GST پیش‌بینی می‌کند که عوامل متعددی، تأثیر فشار بر بزهکاری را مشروط می‌کنند، این عوامل شامل اهمیت اهداف، ارزش‌ها یا هویت‌هایی که تهدید می‌شوند؛ مهارت‌های مقابله؛ منابع مقابله مانند پول، عزت نفس و خودکارآمدی؛ حمایت‌های اجتماعی متعارف؛ سطح کنترل اجتماعی و ارتباط با همسالان بزهکار است. بسیاری از این عوامل (ویژگی‌های شخصیتی فرد) در روانشناسی بررسی شده‌اند، از جمله مهارت‌های مقابله، عزت نفس، خودکارآمدی، دلبستگی خانوادگی، باورهای اخلاقی و ... (اگنیو، ۲۰۰۲، ۴۴)

بسیاری از فاکتورهای اخیر در روانشناسی نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی ممکن است تأثیر اساسی بر تجربه و واکنش به فشار داشته باشند. به طور خاص، تأثیر چنین ویژگی‌هایی ممکن است بسیار فراگیرتر از متغیرهای شرطی‌سازی باشد که معمولاً در تحقیقات بررسی می‌شوند. چنین ویژگی‌هایی ممکن است تأثیر عمده‌ای بر واکنش عاطفی به فشار، توانایی پاسخ به فشار به شیوه‌ای غیر مجرمانه، آگاهی و نگرانی از هزینه‌های مقابله مجرمانه و تمایل به مقابله مجرمانه داشته باشند. (اگنیو، ۲۰۰۲، ۴۵)

ویژگی‌ها یا شخصیتی به روش‌های نسبتاً پایدار درک، تفکر و رفتار نسبت به محیط و خود اشاره دارند. شاید مهم‌ترین ویژگی مرتبط با GST، هیجان‌پذیری منفی باشد. افرادی که هیجان‌پذیری منفی بالایی دارند، بسیار بیشتر از دیگران احتمال دارد که رویدادها را به عنوان یک عامل آزاردهنده تجربه کنند؛ این رویدادها را به

توضیح دهد، باید عواملی را که بر واکنش به فشار تأثیر می‌گذارند، شناسایی کند. شناسایی چنین عواملی، همچنین پیامدهای مهمی در سیاست‌گذاری دارد. آگنیو اشاره می‌کند، ما می‌توانیم جرم را نه تنها با کاهش فشار، بلکه با پرداختن به عواملی که بر واکنش به فشار تأثیر می‌گذارند، کاهش دهیم. (اگنیو، ۲۰۰۲، ۴۴)

Gst بر روابط منفی با دیگران تمرکز دارد؛ یعنی روابطی که در آن دیگران با فرد آنطور که او دوست دارد رفتار نمی‌کنند. سه نوع اصلی فشار یا روابط منفی وجود دارد: دیگران ممکن است ۱. مانع از دستیابی افراد به اهداف ارزشمند مثبت خود، از جمله اهداف مالی، منزلتی و استقلال شوند؛ ۲. محرک‌های ارزشمند مثبتی را که افراد دارند حذف یا تهدید به حذف کنند (مثلاً مرگ دوستان یا اعضای خانواده، از دست دادن شریک عاطفی)؛ و ۳. محرک‌های مضر یا با ارزش منفی را به افراد ارائه دهند یا تهدید به ارائه آنها کنند (مثلاً توهین‌های کلامی، حملات فیزیکی). این فشارها احتمال اینکه افراد، طیف وسیعی از احساسات منفی را تجربه کنند، افزایش می‌دهد. این احساسات، فشاری را برای اقدامات اصلاحی مثبت یا منفی ایجاد می‌کنند و بزهکاری یکی از پاسخ‌های احتمالی است. گفته می‌شود، خشم به طور خاص، منجر به بزهکاری می‌شود، زیرا به فرد برای عمل انرژ می‌دهد، بازدارندگی را کاهش می‌دهد و میل به انتقام ایجاد می‌کند. بزهکاری ممکن است برای کاهش یا فرار از فشار (مثلاً دزدیدن پول، فرار از والدین بدرفتار)، انتقام گرفتن از کسانی که فشار را وارد کرده‌اند (مثلاً حمله، تخریب) یا کاهش احساسات منفی ناشی از فشار (مثلاً مصرف مواد مخدر) مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، فقط برخی از افراد تحت فشار

رفتار بدخواهانه دیگران نسبت دهند؛ واکنش‌های عاطفی شدیدی نسبت به این رویدادها تجربه کنند و در نهایت مستعد پاسخ به چنین رویدادهایی به شیوه‌ای پرخاشگرانه یا ضد اجتماعی باشند. چنین افرادی بیشتر احتمال دارد که درگیر جرم و بزهکاری شوند. افرادی که هیجان‌پذیری منفی بالایی دارند، واکنش‌های احساسی منفی قوی‌تری به فشارها دارند و بیشتر مستعد مقابله پرخاشگرانه و ضداجتماعی هستند. (اگنیو، ۲۰۰۲، ۴۶)

اگنیو نظریه فشار کلاسیک مرتون را گسترش داد. اگنیو به جای یک منبع کلی تولیدکننده فشار، سه منبع اصلی را شناسایی کرد: ۱. عدم دستیابی به اهداف با ارزش مثبت، از جمله جدایی بین انتظارات و نتایج واقعی و درک آنچه که یک نتیجه منصفانه یا عادلانه و نتایج واقعی خواهد بود؛ ۲. حذف (یا تهدید به حذف) محرک‌های با ارزش مثبت که کنشگر از قبل دارد (مثلاً مرگ والدین یا از دست دادن پارتنر)؛ و ۳. مواجهه با محرک‌های مضر یا با ارزش منفی، مانند سوءاستفاده. آگنیو استدلال کرد که بخش عمده‌ای از این فشارها از روابط منفی فرد با دیگران و احساسات منفی مانند خشم، ناامیدی و رنجش ناشی از این روابط سرچشمه می‌گیرد. پاسخ اصلاحی به این احساسات منفی ممکن است به شکل جرم باشد به ویژه هنگامی که هزینه‌های جرم نسبتاً پایین است، فرد سطوح پایینی از کنترل اجتماعی را تجربه می‌کند و فرد مستعد ارتکاب جرم می‌شود. با این حال، اگر فرد مکانیسم‌های مقابله‌ای مؤثری داشته باشد، می‌تواند این فشارها را به طور مشروع مدیریت کند. چنین متغیرهای تعدیل‌کننده‌ای شامل خویشن پذیری، سطح حمایت اجتماعی او،

تسلط و مهارت‌های حل مسئله می‌شود. آگنیو استدلال کرد افرادی که خودکارآمد هستند، شبکه‌های حمایت اجتماعی گسترده‌ای دارند، خویشن پذیری و سبک زندگی درستی دارند؛ کمتر احتمال دارد که در پاسخ به مواجهه با فشارها، به جرم یا انحراف متوسل شوند. علاوه بر این، تمایل همسالان فرد به (یا علیه) انحراف می‌تواند بر احتمال روی آوردن فرد به جرم در پاسخ به فشار تأثیر بگذارد (اگرچه مواجهه مزمن با فشار، احتمال پیوستن فرد به مجرمان دیگر را افزایش می‌دهد). (ایتل، ۲۰۱۱، ۲) بنابراین، توضیح جرم نه تنها شامل سطح مواجهه با فشارها، بلکه شامل میزان و نوع مکانیسم‌های مقابله‌ای موجود برای فرد و انجمن‌های همسالان فرد نیز می‌شود. (ایتل، ۲۰۱۱، ۳)

۵-۷. فقر و خودکشی در نظریه فشار

همینطور با الهام از نظریات فشار، برخی استدلال‌هایی را در خصوص فقر و خودکشی داشته‌اند. در شرایطی که یک فرد فقیر متوجه می‌شود، در حالیکه افراد دیگری با پیشینه مشابه یا یکسان با او، وضعیت بسیار بهتری دارند، فشار محرومیت را تجربه می‌کند و ممکن است به سمت خودکشی برود. دو واقعیت اجتماعی متضاد، یکی زندگی فلاکت‌بار خود و دیگری ثروت دیگران، در مقایسه با خود است. فردی که در فقر مطلق زندگی می‌کند و هیچ مقایسه‌ای با دیگران ندارد، لزوماً احساس بد، بدبختی یا محرومیت نمی‌کند. طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۷ میزان خودکشی در کشورهای توسعه‌نیافته، عموماً پایین است. از سوی دیگر، اگر همان فرد فقیر بفهمد که افراد دیگری مانند او زندگی بهتری دارند، ممکن است احساس محرومیت کند و از

برای افراد ایجاد کند. اما باید گفت آمدن یک اندیشه مهم نیست بلکه ماندن در آن اندیشه مخرب، مساله ساز است. در اسلام از افراد خواسته شده که با تقویت توانمندیهای درونی و بیرونی از این معضل خارج شده و مسیر صلاح و صواب را پیش گیرند.

۶. نتیجه

جرم و انحراف از مقولات مورد چالش هر جامعه می باشند. نحوه مقابله با آنها و کم کردن از حجم جرایم همواره دغدغه دکتین حقوقی بوده است. رابرت مرتون به عنوان یکی از این دکتین با بیان برخی دلایل جرم به روشن شدن این قضیه کمک نمود. اینکه اقتصاد و اختلاف طبقاتی مسلما در ایجاد جرم موثر هستند از یافته‌های تحقیقی ایشان می باشد. دکتین دیگری مانند اگنیو با بسط و توسعه نظریه فشار آن را تکمیل کرده و دلایل جرم را لزوما در تضاد ارزشها و وسایل ندانسته و نوع شخصیت افراد را در واکنش به فشارهای اجتماعی بسیار مهم تشخیص دادند و اعلام کردند که الزاماً هر فشاری منجر به وقوع جرم نمی شود و برخی با مهارتها و تواناییهای شخصی فشارها را به سمت جرم سوق ندادند. با این وصف سوالات مقدمه پاسخ داده شد و دریافتیم هرچند فشارهای اجتماعی بر افراد موثر هستند؛ ولی انسان یک ربات نمی باشد که پاسخ از پیش تعیین شده به هرچیزی بدهد. پس جرم نمی تواند نتیجه عادی فشارها باشد حداقل در مورد همه این صدق نمی کند و فقط پاره‌ای از افراد به سمت جرم می روند. پس در خصوص سوالات مقدمه باید بگوییم که درست است که عوامل بیرونی می توانند فرد را به سمت جرم سوق دهند

این وضعیت ناراحت شود. در یک جامعه طبقاتی شده اقتصادی که ثروتمندان و فقرا از نظر جغرافیایی نزدیک به یکدیگر زندگی می کنند، احتمال بیشتری وجود دارد که مردم این اختلاف را احساس کنند. افزایش درک محرومیت، نشان دهنده فشار نسبتاً بیشتر برای افراد است. (ژانگ، ۲۰۱۹، ۷) از نظر شریعت اسلام خودکشی و دیگر کشی به هیچ وجه جایز نیست و تنها در صورتی که برای قصاص یا دفاع باشد می تواند مجاز شناخته شود. (هاشمی، ۱۳۸۷، ۴۰) شاید فرض دین اسلام بر این بوده که همواره راهی برای برون رفت از چیزهایی که ظاهراً بن بست هستند وجود دارد. در واقع نوعی نقص که به خود فرد برمی گردد و با حل نمودن آنها در نهایت راهی برای زندگی می یابد. علی رغم جرم نبودن این رفتار در غالب نظام های حقوقی ولی در ناهنجاری و انحراف بودن آن شکی نیست. نشانه ای از افسردگی است که تحت تاثیر عوامل بیرونی و درونی رخ میدهد و منطبق با آنچه در نظریه اگنیو دیدیم می توان با عوامل درونی بسیاری از این فشارهای بیرونی کاست. اسلام دین نصیحت و سرزنش نمی باشد بلکه برای مسایل راه حل می دهد. در شریعت اسلام فقر، گرسنگی، اوضاع بد اقتصادی مسائل ساده‌ای نیست که بتوان به راحتی از آنها عبور کرد. در واقع اسلام به یقین می داند که این موارد بر اندیشه اشخاص و نوع تصمیم گیری آنها موثر است. برای مثال در فقه از آداب مکروه قضاوت اینست که قاضی نباید در حالت گرسنگی یا تشنگی تصمیم گیری کند زیرا مطمئناً این حالات در حکم او تاثیر می گذارد. (محقق داماد، ۱۳۸۱، ۳۲) حال چگونه می توان قائل نبود که فقر ممکن است فکر خودکشی

(نظریه رابرت مرتون) ولی در بسیاری از موارد، مهارکننده های درونی تاثیر بالایی برای از قوه به فعل در نیامدن جرم دارند و می توانند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را متوقف کنند. پس به نوعی آنچه مرتون در مورد تاثیر عوامل بیرونی می گوید صرفاً در پاره‌ای موارد درست است و در بسیار از مصادیق نمی‌تواند تایید گردد. فقه نیز همسو با همین استدلال بر توانمندی انسان در مقابله با ناملایمات تأکید دارد ولی باید یاد آور شویم که ما لزوماً نباید منتظر توانمندیهای شخصی افراد باشیم. در واقع همگام با ارتقای شخصیت درونی اشخاص در جامعه دست اندرکاران امر باید مسایل بیرونی را سامان بخشند. هر فردی حتی با بالاترین تواناییها تا مرز خاصی می‌تواند تاب فشارها را بیاورد و از تاریکی برای خود روشنی بسازد ولی نهایتاً به نقطه انفجار می‌رسد. تورم، اقتصاد ضعیف، فساد مالی و اداری و بسیاری از ناهنجاریها می‌تواند برای جامعه خطرناک باشد. اینکه انتظار داشته باشیم همه پاسخ منفی به فشارها ندهند یک استراتژی غیر معقول است. ناگزیریم تا شرایط هنجارمند تری در جامعه ایجاد کنیم و بعد از افراد انتظار صلاح و صواب داشته باشیم.

۷. سهم نویسندگان

تهیه و تدوین پژوهش حاضر بوسیله نویسندگان انجام گرفته است.

۸. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

منابع فارسی

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- احمدزاده ذوالپیرانی، مهرداد، «کیفرشناسی جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره یکصد و بیست و ششم، ۱۴۰۳
- حسینی بهبهانی، سید رضا، «سازکارهای درون و برون سازمانی شرکت ها و سازمان ها در پیشگیری از جرایم اقتصادی»، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره پنجاه و هشت، ۱۴۰۳
- حطمی، ایمان، «تحلیل علل جرایم اقتصادی ایران در پرتو نظریه های جرم شناسی اقتصادی»، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، شماره یازدهم، ۱۳۹۸
- دانتیه، «کمدی الهی»، ترجمه شجاع الدین شفا، جلد اول، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۵
- رستمی، محمد زمان، «عدالت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی و غربی»، مجله جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی، شماره چهارم، ۱۳۸۴
- سلیمانی، حسین، «عدالت کیفری در آیین یهود»، چاپ اول، قم، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴
- شعبانی، مهدی، «جرایم اقتصادی در فقه، قوانین ایران و اسناد اروپایی»، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، شماره چهارم، ۱۴۰۱
- شهید اول، «لمعه دمشقیه»، چاپ دوم، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۴
- صدر، محمد باقر، «اقتصاد ما، بررسی هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام»، ترجمه عبدالعلی اسپهبودی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۷
- عوده، عبدالقادر، «التشريع الجنائي الاسلامي»، ترجمه ناصر قربان نیا، سید مهدی منصوری،

منابع لاتین

- Agnew, Robert, «Strain, Personality Traits, and Delinquency: Extending general strain theory, criminology», vol 40, 2002.
- Eitle, David, «general strain theory, Persistence, and desistance Among Young Adult Males», criminal justice, vol 38, 2010
- Gottschalk, Petter, «Trusted Chief Executives in Convenient White-Collar Crime», Crime & Delinquency, Vol. 71, 2025
- Merton, Robert, «Social structure and anomie», American Sociological Review, vol 3, 1938
- Onwuadiamu, gift, «Cybercrime in criminology; A systematic review of criminological theories, methods, and concepts», Journal of Economic Criminology, vol 8, 2025
- Parti, katalin, «Cybercrime and Strain Theory: An Examination of Online Crime and Gender», International Journal of Criminology and Sociology, vol 13, 2024,
- Ramzan, sana, «Integrating criminological theories in accounting and finance fraud research: A systematic literature review», Journal of Economic Criminology, vol 9 , 2025
- Zhang, jie, «the strain theory of suicide», Journal of Pacific Rim Psychology, Vol 13, 2019.
- نعمت الله الفت، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۳
- محقق داماد، سید مصطفی، «قواعد فقه بخش مدنی»، چاپ ششم، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۶
- محقق داماد، سید مصطفی، «قواعد فقه بخش قضایی»، چاپ دوم، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۱
- محمدی، ابوالحسن، «مبانی استنباط حقوق اسلامی»، چاپ دهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- مظفر، محمد رضا، «اصول الفقه»، ترجمه علی شیروانی، جلد دوم، چاپ دوم، قم، انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۱
- مهدوی، محمود، «مبانی جرم انگاری جرایم اقتصادی در فقه امامیه»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرمشناسی، شماره یک، ۱۳۹۶
- ناتری، شمس، «پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره چهار، ۱۳۹۰
- نوروزی، میثم، «مطالعه تطبیقی مفهوم عدالت در اسلام و اندیشه حقوق بشر معاصر»، فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره چهارم، ۱۴۰۱
- هاشمی، زهرا، «اتانازی از دیدگاه اسلام و اخلاق پزشکی نوین»، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، شماره سوم، ۱۳۸۷



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی